



چکیده:

کودک از نوع رفتار والدینش می آموزد که چگونه بخورد؛ بخوابد؛ سخن بگوید؛ لباس بپوشد و با دیگران رابطه برقرار سازد. دانش آموز بیش از آنکه توجه کند که معلمش چه می گوید، دقت می کند تا بداند معلمش چگونه رفتار می کند و آنگاه که تطابق کامل میان علم و عمل را دریابد، چنان می کند که معلمش می خواهد. از این رو یکی از نیازهای فطری بشر توجه به الگوهای عملی رفتار است. در میان همه جوامع و ملل، معرفی الگوهای نمونه و مناسب برای تربیت جامعه به سمت اهداف مورد نظر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خداوند متعال، علاوه بر اینکه انبیاء را برای تعلیم و تربیت؛ تزکیه و تعالی فرستاده، ایشان را الگوهای عملی انسان قرار داده است. تبعیت و پیروی از الگوهای معرفی شده، نوعی تقلید سازنده و بر اساس تفکر است. تداوم نقش هدایتگری دین مبین اسلام ایجاب می کند که در همه عصرها و نسلها، پاسخی مناسب به نیازهای بشر داده شود.

یکی از مهم ترین راههای تربیت و تعلیم عملی، تبعیت و الگو پذیری است. خداوند متعال، انبیاء را برای تعلیم و تربیت؛ تزکیه و تعالی فرستاده و ایشان را الگوهای عملی انسان قرار داده است. تبعیت و پیروی از الگوهای معرفی شده، نوعی تقلید سازنده و بر اساس تفکر است. تداوم نقش هدایتگری دین مبین اسلام ایجاب می کند که در همه عصرها و نسلها، پاسخی مناسب به نیازهای بشر داده شود. از این رو در میان معصومین (ع)، فاطمه زهرا (س) که کوثر و مبارکه و منصوره است، هر چند عمر بسیار کوتاهی داشت (همچون کوثر که کوتاهترین سوره قرآن است) نه تنها تجلی خیر کثیر، برکت، نصر و پویایی است؛ بلکه الگوی زنان و اسوه همه نیکان و پاکان تاریخ است.

خدا شناسی در منظر فاطمی و بیان ملاکهای سعادت بشری نقطه نظر خاص مقاله حاضر است. ایشان از چند شاخصه یاد می کنند که عبارت است از: تحمل دین و امانت الهی؛ تدین به دین خاتم و ایمان به کتاب صامت و ولی ناطق؛ شناخت قرآن؛ عمل به احکام دینی بر اساس باورهای اعتقادی و تبیین علل احکام الهی. احکامی که به بررسی آنها پرداخته شده، عبارت است از: نماز؛ روزه؛ حج؛ عدل؛ اطاعت از اولی الامر؛ جهاد؛ صبر؛ امر به معروف؛ نیکی به والدین؛ صلح رحم؛ قصاص؛ وفای به نذر؛ تمام کردن کیل و وزن؛ نهی از شرب خمر؛ اجتناب از قذف؛ ترک سرقت و ترک شرک.

کلید واژگان:

اسوه حسنه؛ قرآن؛ خدا شناسی؛ فلسفه احکام.

مقدمه:

نیاز انسان به الگو و اسوه در تربیت عملی
یکی از مهم ترین راههای تربیت و تعلیم عملی، تبعیت و الگو پذیری است. توجه به انسان و رفتارهای او بیانگر این واقعیت است که آدمی، بیش از آموزشهای مستقیم، تحت تاثیر عملکردها و رفتار افراد جامعه قرار می گیرد.

فاطمه زهرا (س) مفسر آیات الهی

مؤلف: دکتر فرشته نوری ایبانه، استاد دانشگاه معارف اسلامی
و استادیار دانشگاه مولی سینا

isady@yahoo.com



می‌کند که در همه عصرها و نسلها، پاسخی مناسب به نیازهای بشر داده شود و از آنجا که الگو پذیری از مهم ترین نیازهای بشر است، اسلام الگوهایی جاودانه ارائه داده است تا همه انسانها به آنها توجه نمایند و درس بگیرند. این الگوها در درجه اول معصومین (ع) هستند که هر یک در مقطعی از زمان، نقشی ابدی آفریده و به آن ممتاز گشته اند. هر چند ایفای این نقش، از لحاظ زمانی در برهه ای کوتاه انجام گرفته است، اما به جهت اتصال به اراده الهی، تأثیری جاودان از خود بر جای نهاده است.

از این رو در میان معصومین (ع)، فاطمه زهرا (ع) که کوثر و مبارک و منصوره است، هر چند عمر بسیار کوتاهی داشت (همچون کوثر که کوتاه ترین سوره قرآن است) نه تنها تجلی خیر کثیر، برکت، نصرت و پویایی است؛ بلکه الگوی زنان و اسوه همه نیکان و پاکان تاریخ است.

تاریخ شاهد مظلومیت حضرت و عدم شناخت وی از طرف معاصرین و متأخرین است. تا آنجا که حضرت در بیان حق خویش به مطالبی بسیار روشن می‌پردازد. مطلبی روشن که به عمد و یا سهو مورد غفلت واقع شده است و می‌فرماید «**اعلموا انی فاطمه**» بدانید که من فاطمه‌ام.

این مهم‌ترین وجه معرفی حضرتش است که خود مبنایی برای معرفی بقیه اهل کساء است که پدر فاطمه، همسر فاطمه و پسران فاطمه‌اند. این خطاب در خطبه فدکیه در کنار مضامین عالی دیگر، بیانگر مقام فاطمی در همه ابعاد انسانی است. هر چند تاریخ در معرفی این بانوی نمونه قاصر و مقصر است، اما دقت و کنکاش در اسناد باقی مانده برای طالبین وصول، لازم و برای اهل نظر کافی است. این نکات عبارتند از:

۱. وضعیت سیاسی اجتماعی عرب آن روز و سایر ملل و نحل و نوع رفتار آنها نسبت به زنان و مقایسه آن با آنچه قرآن و سنت درباره حقوق و حدود زنان معرفی کرده است. دقت در وضعیت فعلی زنان در دنیای امروز و فاصله آن با مبنای دین مقدس اسلام مکمل بحث خواهد بود.

۲. تعلق اراده الهی بر ادامه نسل پیامبر خاتم از طریق یک دختر، عطیة الهی کوثر.

۳. نوع رفتار پیامبر (ص) و علی (ع) با فاطمه زهرا (ع) توجه به القاب و اسماء مبارک ایشان: ام ابیها به جهت احترام و محبت بسیار پدر نسبت به دختر (فاطمه بریده شده از پلیدیها) زهراء (درخشنده و مخلوق از نور عظمت الهی) حسان (پارسا) حره (زن کریمه) محدثه (آنکه در رحم با مادر سخن گوید و مورد خطاب فرشتگان الهی است) حانیه (مهربان نسبت به شوهر و فرزندان) بتول (پاک) طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، عذراء،

مبارک و بالاخره کوثر.^۸

۵. رفتار فاطمه با پدر، همسر، فرزندان، خویشان، همسایگان، فقراء، سائلین، کارگزاران، حکام، زنان و مردان مهاجر و انصار و بالاخره هم شئون رفتاری حضرت.

۶. مجموعه گفتارهای حضرت و به ویژه آنچه با عنوان خطبه در تاریخ، حفظ و ضبط شده است، یکی از ابعاد ناشناخته حضرت زهرا (سلام الله علیها) و ویژگیهای علمی حضرت است. از این رو شناخت و تطبیق علوم با زوایای وجودی حضرت لازم می‌نماید. به این معنا که علوم بشری، قالب و ظرف وجود ایشان نیست، اما به جهت تطابق وجود معصومین بر قرآن مجید و احتواء کتاب تدوین بر همه امور و انطباق آن بر کتاب تکوین، حضرات معصومین (علیهم السلام) نیز بر مجموعه معارف اشراف داشته و همه آنها را در بر دارند.

خطبه فدکیه یکی از این آثار بر جای مانده است که حاوی قلال رفیع علم و عرفان و مسئولیت و سازندگی است.^۹

خدا شناسی در منظر فاطمی:

الحمد لله علی ما انعم، وله الشکر علی ما الهم، والثناء بما قدم، من عموم نعم ابتدایا، و سبوع الاء اسداها، و تمام منن اولایا، جم عن الاحصاء عددها، و نأی عن الجزاء امدها، و تفاوت عن الادراک ابدها، و ندبهم لاستزادتها بالشکر لاتصالها، و استحمد إلى الخلاق باجزالها، و ثنی بالندب إلى امثالها و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، کلمة جعل الاخلاص بأولها، و ضمن القلوب موصولها، و أنار فی التفکر معقولها، و الممتنع من الابصار رؤیته، و من الالسن صفته، و من الالوهام کیفیته، ابندع الاشیاء لا من شیء کان قبلها، و انشأها بلا احتذاء امثلة امثلها کونها بقدرته، و ذراها بمشیته، من غیر حاجة منه إلى تکوینها، و لا فائدة له فی تصویرها، الا تثبیتا لحکمته، و تنبیها علی طاعته، و اظهارا لقدرته، تعبدا لبریته، اعزازا لدعوته، ثم جعل الثواب علی طاعته، و وضع العقاب علی معصیته، زیادة لعبادته من نعمته، و حیاشة [حاش الابل: جمعها و ساقها] لهم إلى جنته.

«حمد و ستایش پروردگاری را که نعم بی پایانش همه موجودات را فرا گرفته و به اشباح بی رنگ صحرای عدم، رنگ وجود بخشیده است. سپاس خدا را که با الهامات خفیه، درس شکرگزاری به ما آموخت و ما را موظف به حمد و ثنای خود فرمود. خدایی را تقدیس می‌کنم که از هر کس، بخشنده تر است؛ به همه نعمت وجود ارزانی داشته و آغاز و انجام نعم از اوست و کس توان شمارش آن را ندارد. نعمتهایی که با شکر افزون می‌شود. گواهی می‌دهم که خدایی جز او نیست و خالق غیر از او شناخته نشده؛ او یگانه و بی‌همتاست. در ابدیت او همه

چون علم و اراده در وجود آدمی به ودیعه نهاده شد و از این رو بر سایرین ممتاز گشت. عبادت و اطاعت قرین وجودش شد تا شایسته پاداش گردند، اما اگر ترمذ و عصیانی را مرتکب گردند و عقاب الهی را به جان بخرند، این مجازات نیز عین رحمت الهی نسبت به مخلوق است که خدا از تنبیه بنده اش تشفی خاطر نیابد؛ بلکه آن را مایه حیات و بقاء نوع انسان خواند؛ همان گونه که قصاص در عالم مادی همین حکم را دارد و ضامن حیات و پایداری نوع انسان بر روی زمین است



حضرت فاطمه
زهراء (س) ملاک
خوشبختی و
سعادت را در
اعتقادات و باورها
و در عمل بر اساس
آنها می بیند. از
این رو کلام ایشان
را در دو بخش
مباحث کلامی و
عمل به احکام دینی
بر اساس باورهای
اعتقادی می توان
تحلیل نمود

حیران. در ازلیت او همه سرگردانند. اندیشه بدین میدان راه ندارد و عقل و خرد در آن صحنه جولان نتواند. او پروردگاری است که چشمها، نیروی دیدن او را ندارند و زبانها از وصف او عاجزند؛ ساحت عزتش را اوهام درک نکنند و مقام ذاتش را عقول در نیابند. او خالق است که موجودات را بدون ماده پدید آورد. خداوند مبدع اشیاء است و آنها را از کتم عدم خارج ساخته است. مهندسی است که روی خرابه های وجود، نقش و نگار بدیع به وجود آورد و چهره را بدون مثل و مانند، تصویر ایجاد فرمود. او بشر را به عبادت دعوت فرمود تا به عبودیت، مستوجب پاداش گرداند؛ او ثواب را مبتنی بر اطاعت و عقاب را مربوط به تمرد و معصیت قرار داد تا بندگان از سخط و غضب او در امان بمانند.»

خطبه فاطمی با حمد بی پایان الهی شروع می شود همان گونه که سر آغاز کتاب منزل الهی چنین است «الحمد لله رب العالمین»^۹ و در ناتوانی از شمارش نعم بی حد رحمانی فرماید: «وإن تعدوا نعمت الله لا تحصوها...»^{۱۰} گر چه توان شمارش نیست، اما باید آن را به یاد آورد: «و اذکروا نعمة الله علیکم...»^{۱۱} پس باید به اولین آنها اشاره نمود که نعمت وجود است و دریدن پرده عدم (فطر) که خدا فاطر آسمانها و زمین است. «قال بل ربکم رب السموات و الأرض الذی فطرهن...»^{۱۲} سپاس خدای را که «الحمد لله رب العالمین»^{۱۳} همو که اولین معلم است «علم الانسان ما لم یعلم»^{۱۴} همو که درس شکر گزاری می دهد و می فرماید: «و اشکروا

لی و لا تکفرون»^{۱۵} دعوت به شکرگزاری مخلوق از خالق، طبیعی و عرفی است، اما شکر خالق از مخلوق چه معنایی می تواند داشته باشد جز تتمیم نعمت؟ پس ما را موظف به حمد خود ساخت تا نعمت را به کمال رساند و بهانه ای برای اکرام به عبد مهیا گردد که رحمت و فیض وجود، ذاتی حق است و مانع فیض عبد و قابل است. پس کافی است که پرده به کناری رفته و مانع بر طرف گردد تا باران رحمت الهی فرو ریزد و سراپای هستی را غرق در خود سازد. تحمید، تقدیس را به دنبال دارد. آن گاه که کل حمد است (الحمد) تمام قداست هم هست که تمام رحمت وجود تحقق یافته است. «قل لو کان البحر مداما لکلمات ربی لنفد البحر قبل أن تنفد کلمات ربی...»^{۱۵}

از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش به در آید
بنده همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدا آورد
ورنه سزاوار خداوندیش
کس نتواند که بجا آورد

با این شناخت است که شهادت معنی می یابد: و اشهد أن لا اله الا الله، وحده لا شریک له. همو که پایان و انتهای ندارد. آخر است و بی حد. خدایی که محدودیت زمانی نداشته و عدمی بر او سبقت نگرفته است. قبل است و اول. «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم»^{۱۶} زیرا لازمه تعقل و اندیشه، احاطه عاقل بر معقول و محدودیت معقول است. لازمه تصدیق، تصور و لازمه تصور، ترکیب ذهنی شیء است که خدا از همه این اوصاف بری است؛ پس خداوند را چگونه می توان توصیف نمود. عقل و اندیشه چگونه می تواند در این میدان ره به کاربندد؟ پس باید از اندیشه در ذات الهی پرهیز نمود که: «قل هو الله أحد»^{۱۷} در پاسخ از سوال از خدا بگو که او یکپارچه است. ترکیب ندارد، بسیط است؛ چون مرکب از اجزاء خارجی نیست. تجزیه نمی شود و چون مرکب از اجزاء ذهنی نیست، تعریف بردار نیست. ماهیت پذیر نیست؛ زیرا اقتضاء عروض ماهیت بر وجود معلولیت و وابستگی به غیر است که با وجوب وجود سازگار نیست. «الحق ماهیته اینه إذ مقتضی العروض معلولیه»^{۱۸} پس او احد است. نتیجه آنکه بی نیاز است، «الله الصمد»^{۱۸} آن گاه که عقل در اندیشه چیزی عاجز ماند چه جایی برای جولان وهم و خیال؛ پس عزت و کبریایش را وهم در نیابد و آنجا که وهم و عقل از کار افتد، نارسایی زبان در توصیف معلوم گردد که زبان گویای اندیشه و خیال و مناظر است و آنچه را چشم ندیده، زبان نگوید: «لا تدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار و هو اللطیف الخبیر»^{۱۹}

انسان مهندس و سازنده و هنرمند است، اما نقش و صنعتش، تقلیدی از عالم وجودی است که معمار آن

پژوهشگاه علوم انسانی و
پرتال جامع علوم



اخروی دانست. افلاطون، علم و دانش را وجه ممیز انسان و ملاک سعادت خواند. ارسطو، تئوری اعتدال را بنیاد نهاد. گروهی به ثروت؛ جمعی به قدرت؛ دسته‌ای به اختیار و فرقه ای به عاطفه استناد جستند و هر یک گمشده خویش را در چیزی یافتند.^{۳۳}

اما حضرت فاطمه زهراء (س) ملاک خوشبختی و سعادت را در اعتقادات و باورها و در عمل بر اساس آنها می‌بیند. از این رو کلام ایشان را در دو بخش مباحث کلامی و عمل به احکام دینی بر اساس باورهای اعتقادی می‌توان تحلیل نمود.

الف. مباحث کلامی:

۱. تحمل دین و امانت الهی: اصل دینداری انتم عباد الله بصب امره ونهیہ، وحملة دینه و وحیه، وامناء الله على انفسکم، وبلغائه إلى الامم، زعیم حق له فیکم، وعهد قدمه الیکم، وبقیة استخلفها علیکم: کتاب الله الناطق، والقرآن الصادق، والنور الساطع، والضیاء اللامع، بینة بصائرہ، منکشفة سرائره، منجلية ظواهره، مغتبطة به اشباعه، قائدا إلى الرضوان اتباعه، مؤد التجاة استماعه، به تنال حجج الله المنورة، وعزائمہ المفسرة، ومحارمه المحذرة، وبیناته الجالیة، وبراهینه الکافیة، وفضائله المندوبة،

خداست که بی هیچ نقش و تصویر زیباییهای جهان خلقت را به تجلی نهاده است. انسان خود تجلی وجود خدا و مظهر اسم الله است؛ پس خدا به او موخت «و علم آدم الأسماء کلها...»^{۳۴} و علم را ملاک امتیاز او بر سایر مخلوقات، حتی فرشتگان قرار داد. «...ثم عرضهم علی الملائکة فقال انبیونی بأسماء هولاء این کنتم صادقین . قالوا سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا. انک أنت العلیم الحکیم.»^{۳۵} پس چون علم و اراده در وجود آدمی به ودیعه نهاده شد و از این رو بر سایرین ممتاز گشت، عبادت و اطاعت قرین وجودش شد تا شایسته پاداش گردند، اما اگر تمرد و عصیان را مرتکب گردند و عقاب الهی را به جان بخرند، این مجازات نیز عین رحمت الهی نسبت به مخلوق است که خدا از تنبیه بنده اش تشفی خاطر نیابد؛ بلکه آن را مایه حیات و بقاء نوع انسان خواند؛ همان گونه که قصاص در عالم مادی همین حکم را دارد و ضامن حیات و پایداری نوع انسان بر روی زمین است «و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الألباب لعلکم تتقون»^{۳۶}

ملاک سعادت بشری در منظر فاطمی:

انسان از آن زمان که پای بر خاک نهاد، در جستجوی سعادت بر آمد. سقراط، سعادت را دستیابی به خوشبختی

شریعت، حافظ عدالت است و عدالت، ضامن بقای نوع انسان. پایداری شریعت به عواملی بستگی دارد؛ امامت و قرآن دو ضامن معتبر برای حفظ شریعتند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» زیرا بقاء دین مبین ضرورت وجود مجری و مفسر دین است. برای تعیین چنین مقامی دو راه عقلی پیشنهاد می شود: اول تعیین از جانب مردم و دوم انتخاب از جانب خدا. راه اول نه تنها از اختلاف نمی‌کاهد که خود عامل اختلاف است؛ پس نص و تعیین الهی بهترین راه انتخاب است



ورخصه الموهوبة، وشرائعه المكتوبة .

« ای مردم ! ای بندگان خدا، شما محل اوامر و نواهی پروردگار هستید، شما حامل دین و وحی او می باشید. شما بر نفس و جان خود، امین خداوند هستید، شما هستید که باید به دین خدا عمل نموده و به دیگران ابلاغ کنید و سرمشق دیگران باشید. »
«إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وحملها الإنسان إنه كان ظلوما جهولا»^{۲۴} آسمان و زمین و کوه از پذیرش امانت الهی که اختیار و دین بود سر باز زده و طاقت تحمل آن را نیافتند، اما انسان بار مسئولیت بر دوش گرفت.

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه فال به نام من دیوانه زدند

انسانها حامل دین و شریعت شدند تا در صورت عمل به آن، الگو و اسوه دیگران گردند. « کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف...»^{۲۵} انسان

بما یلی الامور ، واحاطة بحوادث الدهور، ومعرفة بموقع الامور ، ابتعته الله اتماما لامره ، وعزيمة على امضاء حكمه ، وانفاذا لمقادير حتمه ، فرأى الامم فرقا في ادیانها ، عكفا على نیرانها ، عابدة لاوثانها ، منكرة لله مع عرفانها ، فانار الله بأبی محمد (صلی الله علیه وآله) ظلمها ، وكشف عن القلوب بهمها [أى مبهماتھا وهی المشكلات من الامور] وجلی عن الابصار غمها [الغم : جمع غمة وهی : المبهم الملتبس وفي بعض النسخ (عماها)] وقام فی الناس بالهداية ، فاقتدھم من الغواية ، وبصرهم من العماية ، وهداهم إلى الدين القويم ، ودعاهم إلى الطريق المستقیم . ثم قبضه الله اليه قبض رافة واختيار ، ورجبة وايتار ، فمحمد (صلی الله علیه وآله) من تعب هذه الدار فی راحة ، قد حف بالملائكة الابرار ، ورضوان الرب الغفار ، ومجاورة الملك الجبار ، صلی الله على أبی نبیه ، وأمينه ، وخيرته من الخلق وصفیه ، والسلام عليه ورحمة الله وبركاته

«خداوند در میان شما ، ضامن بر حقی قرار داد و عهد و پیمانی به وسیله پیغمبر خاتم بر شما فرستاد و دو خلیفه و جانشین بر شما گماشته که آن کتاب صامت خدا و ولی ناطق پروردگار است. آنها انوار ربوبی و مبین حلال و حرام احکام آسمانی و هادی و راستگوی الهی هستند. انوار ارشاد و هدایت آنها پیوسته مشعشع و پرتوافکن است و هر لحظه شما را به سوی حق و حقیقت می خوانند.»

شریعت الهی پی در پی بر انسانها وارد شد تا میثاق از یاد رفته را دوباره به آنها یاد آورد.^{۲۶}

«واذ أخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم واشھدھم علی أنفسهم ألت بربكم قالوا بلی شھدنا أن تقولوا يوم القيامة إنا كنا عن هذا غافلين»^{۲۷} از بنی آدم، عهد گرفته شد که به ربوبیت و وحدانیت الهی مقرر و معترف باشد . آدمی بر عهد خود ماند و هر گاه که گرفتار و مضطر شد، به خدای روی کرد، اما آن گاه که به نعمتی مبتلا گشت، عهد خود شکست و به شرک گرایید: « فاذا ركبوا فی الفلك دعوا الله. مخلصین له الدين فلما نجاهم إلى البر إذا هم بيشركون»^{۲۸} پیامبران یاد آور و مذكر عهد الهی شدند. « فذكر إنما أنت مذكر. لست عليهم بمصيطر »^{۲۹} پیامبران به مقتضای رشد و ظرفیت انسانها آمدند تا نوبت به خاتم و افضل ایشان رسید . همو که به مرتبه « فکان قاب قوسین أو أدنی »^{۳۰} دست یافت؛

پس شریعت خاتم به دست او به خلق رسید و چون چهره‌اش در نقاب خاک پنهان گشت، مطمئن بود که دینش باقی خواهد ماند که راهکار بقاء دین در خود آن تعبیه شده بود . امامت به عنوان تکمیل دین و

کامل، الگوی انسانهای دیگر و امت نمونه، اسوه امتهای دیگر است. امت نمونه تنها عامل به دین نیست که مبلغ آن هم هست . « والعصر. إن الإنسان لفي خسر . إلا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر »^{۳۱} مومنین هم خود اعمال نیک و شایسته را به جا آوردند و هم به دیگران توصیه کنند تا بر طبق موازین حق و پایدار ی عمل نمایند.
۲. تدین به دین خاتم و ایمان به کتاب صامت و ولی ناطق : (اصل نبوت و امامت)

واشهد ان ابی محمدا عبده ورسوله ، اختاره قبل ان ارسله ، وسماه قبل ان اجتباه ، واصطفاه قبل ان ابتعته ، اذ الخلاق بالغيب مكنونة ، وبستر الاله اويل مصنونة ، وبنهاية العدم مقرونة ، علما من الله تعالى



اتمام نعمت ابلاغ گشته بود: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس...»^{۳۲} چون ابلاغ امامت شد، نعمت تکمیل شد. «...الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا...»^{۳۳} اسلام دین مورد رضایت شد که تنها دین، اسلام است. «ان الدین عند الله الإسلام...»^{۳۴} بشر به قابلیت پذیرش اسلام دست یافته و توفیق تشرف به آن و اتمام نعمت را پیدا می کند. شریعت، حافظ عدالت می شود و عدالت، ضامن بقای نوع انسان^{۳۵} پایداری شریعت به عواملی بستگی دارد. امامت و قرآن دو ضامن معتبر برای حفظ شریعتند: «ینی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»^{۳۶} زیرا بقاء دین مبین ضرورت وجود مجری و مفسر دین است. برای تعیین چنین مقامی دو راه عقلی پیشنهاد می شود: اول تعیین از جانب مردم و دوم انتخاب از جانب خدا. راه اول نه تنها از اختلاف نمی گاهد که خود عامل اختلاف است؛ پس نص و تعیین الهی بهترین راه انتخاب است.^{۳۷}

۳. شناخت قرآن: (اصل لزوم التزام به تعالیم قرآنی) کتاب الله الناطق، والقرآن الصادق، والنور الساطع، والضیاء اللامع، بینة بصائره، منکشفة سرائره، منجلية ظواهره، مغتبطة به اشیاعه، قائدا الی الرضوان اتباعه، مؤد النجاة استماعه، به تنال حجج الله المنورة، وعزائم المفسرة، ومحارمه المحذرة، وبیناته الجالیة، وبراهینه الکافیة، وفضائله المندوبة، ورخصه الموهوبة، وشرائعه المکتوبة.

«این قرآن است که دل و دیدگان شما را منور و روشن ساخته است. سرائر قرآن، بر همه شما منکشف و ظواهر آن متجلی و آشکار است. ملل دیگر به داشتن قرآن بر شما غبطه می خوردند و حسرت می برند، بیروی قرآن بشر را به رضای خدا سوق می دهد و استماع قرآن، آدمی را به نجات و سعادت می رساند. به سبب قرآن، نشانه ها و آیات قدرت الهی درک می گردد و واجب و حرام شریعت که موجب رستگاری است دریافت می شود. خداوند به سبب قرآن، محرمات را که موجب تخدیر و تنبیه می شود، تعلیم می دهد. دلایل روشن و براهین آشکار، فضایل بی شمار و رخصت در اعمال، آزادی افکار و اجازه تحقیق، انبساط و وقوف بر احکام شریعت و همه آثار علمی، به وسیله قرآن تعلیم آموخته می گردد.»

قرآن شناسی و وقوف به جهات اعجاز قرآن از قرون اولیه اسلام مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و آثار باقیه ای در این زمینه به قلم تحریر آراسته شده است. وجوه اعجاز قرآن متعدد است.

کتابی که «أحسن الحدیث»^{۳۸} و «بهار قلوب»^{۳۹} و «شفاء قلبها»^{۴۰} و «أنفع قصص»^{۴۱} است. کتابی که

امام سخن، حضرت علی بن ابی طالب (ع)، در توصیف آن گفته است: «کتاب الله تبصروا به و تتفقون به و تسمعون به و ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض و لا تختلف فی الله و لا یخالف بصاحبه عن الله»^{۴۲} کتابی که در آن علم آینده و حدیث روزگاران گذشته است. شفاء دهنده دردها و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی است.^{۴۳} نوری که خاموشی ندارد و چراغی که درخشندگی آن زوال نپذیرد.^{۴۴}

کتاب هدایت به بهترین روش زندگی «الم. ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین...»^{۴۵} قرآن^{۴۶} و قرآن مبین^{۴۷}، فرقان^{۴۸}، نور مبین^{۴۹}، تبیاناً لكل شیء^{۵۰} و کتاب هدایت و معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام که در بر دارنده همه علوم بشری و بر طرف کننده همه نیاز انسانی است به شرط آنکه به تفسیر و تأویل در آید و تأویل و بطن آن را جز راسخون در علم ندانند. «... و ما یعلم تأویله الا الله الراسخون فی العلم...»^{۵۱} و اینان جز صاحبان ولایت و ائمه بر حق نیستند. پس باید به این دو ثقل الهی تمسک جست و از آنها جدا نشد تا مسیر هدایت و سعادت پیموده شود. همان گونه که این دو نیز از هم جدا نمی شوند تا آنکه در کوثر به پیامبر (ص) بیوندند.

حضرت زهرا(س)
در این خطبه بعد از بیان فلسفه احکام الهی به اصل اول باز می گردد که ترک شرک و گرایش به توحید است. به این معنی که ضامن عملی انجام احکام، اعتقاد به توحید و ترک شرک است. اصلی که به خداشناسی منتهی می شود



بالربوبية، فاتقوا الله حق تقاته ، ولا تموتن الا وأنتم مسلمون، واطيعوا الله فيما أمركم به ونهاكم عنه، فانه انما يخشى الله من عباده العلماء .

« پروردگار، ایمان را برای شما باعث تطهیر و پاکیزگی از شرک و کفر و پلیدی قرار داد. »

ایمان و عمل صالح، ملاک رهایی از خسران و زیان است. زبانی که در آن آدمی اصل سرمایه خود را از دست می دهد. برای برخورداری از سعادت و نجات از خسران، باید ایمان داشت و عمل نیکو به جا آورد. ایمان، ریشه این درخت تناور است و عمل شایسته میوه و نتیجه آن است؛ پس حضرت ابتدا به لزوم تدین به ایمان اشاره دارند که باعث تطهیر از شرک و کفر و پلیدی است. ایمان، اعتقاد به توحید در تمام مراتب آن است.

توحید نظری و توحید عملی. خدا را به یگانگی شناختن و تنها برای او کار کردن. تنها او را پرستیدن و تنها از او استعانت جستن: «ایاک نعبد و ایاک نستعین»^{۵۲}

توحید در ذات و اعتقاد به احدیت الهی و بساطت خالق و منزله دانستن او از شائبه هر نوع ترکیب: «قل هو الله أحد»^{۵۳} و توحید در مقام واحدیت به معنای منزله دانستن حق از شریک و همتا «و لم یکن له کفو أحد»^{۵۴} توحید صفاتی به معنای یگانه دانستن ذات با صفات و صفات با یکدیگر و توحید افعالی به معنای اعتقاد به عدم استقلال موجودات ممکن در افعال و اعمال: «...و ما رمیت إذ رمیت و لکن الله رمی...»^{۵۵} توحید ابتداء راه سلوک و انتهاه آن است: «إنا لله و إنا إليه راجعون»^{۵۶} نقطه مقابل توحید، شرک در تمام مراتب آن است و نتیجه شرک، کفر و از این رو مشرک و کافر به یک معنا به کار برده شده است. «قل یا ایها الکافرون ، لا أعبد ما تعبدون...»^{۵۷} ایمان به توحید، مانع از شرک و کفر و پلیدی است؛ زیرا نتیجه ایمان، عمل صالح و میوه شرک و کفر، پلیدی و اعمال

۴. ترک شرک: (اصل توحید)

فجعل الله الايمان: تطهيرا لكم من الشرك « ترک شرک را برای خلوص عبودیت قرار داده است. »

حضرت بعد از بیان فلسفه احکام الهی به اصل اول باز می گردد که ترک شرک و گرایش به توحید است. به این معنی که ضامن عملی انجام احکام، اعتقاد به توحید و ترک شرک است. اصلی که به خدانشناسی منتهی می شود. خدانشناسی آنچنانکه در منظر فاطمی ترسیم شده است: و حرم الله الشرك: اخلاصا له بالربوبية، فاتقوا الله حق تقاته، ولا تموتن الا وأنتم مسلمون، واطيعوا الله فيما أمركم به ونهاكم عنه، فانه انما يخشى الله من عباده العلماء.

ب. عمل به احکام دینی بر اساس باورهای اعتقادی و تبیین علل احکام الهی:

و الصلاة: تنزيها لكم عن الكبر، والزكاة: تزكية للنفس، ونماء في الرزق، والصيام: تثبيتا للاخلاص، والحج: شبيها للدين، والعدل: تنسيقا للقلوب، وطاعتنا: نظاما للملة، وامامتنا: امانا للفرقة، والجهاد: عزا للاسلام، والصبر: معونة على استيجاب الاجر، والامر بالمعروف: مصلحة للعامة، و بر الوالدين: وقاية من السخط، و صلة الارحام: منساة [أي مؤخرة] في العمر ومنمأة للعدد، والقصاص: حقا للدماء، والوفاء بالندى: تعريضا للمغفرة، و توفية المكائيل و الموازين: تغييرا للبخس، والنهي عن شرب الخمر: تنزيها عن الرجس، واجتناب القذف: حجابا عن اللعنة، و ترک السرقة: ايجابا بالعفة، و حرم الله الشرك: اخلاصا له

یکی از مهم ترین راههای تربیت و تعلیم عملی، تبعیت و الگو پذیری و یکی از نیازهای فطری بشر توجه به الگوهای عملی رفتار است. از این رو باید از کسانی تبعیت کرد که خود راه را شناخته و طی طریق کرده اند و الا به بیراهه رفته و گمراه می گردیم؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: انسانهای کامل اعم از زن و مرد، الگو برای سایر انسانها هستند



ناشایسته است. ایمان، نشانه‌ها و علاماتی دارد و عمل صالح نیز نشانه‌هایی دیگر. برخی از نشانه‌های آن به این شرح عنوان شده است:

نماز؛ زکات؛ روزه؛ حج؛ اطاعت از اولی الامر؛ امامت اهل بیت؛ جهاد؛ صبر؛ امر به معروف؛ صلح رحم؛ نیکی به والدین؛ قصاص؛ وفای به نذر؛ تمام بیمودن کیل و وزن؛ نهی از شرب خمر؛ اجتناب از قذف؛ ترک سرقت؛ ترک شرک و... آشنایی با فلسفه احکام به معنای انجام بهتر آنها می‌باشد. انجام عبادت، فلسفه‌ای عمومی دارد و آن اطاعت امر مولاست. از این رو قصد قربت در هر عمل عبادی شرط لازم است. اما علاوه بر آن، هر یک از عبادت و ویژگی و فلسفه خاص خود را دارد. زمینه شناخت هر یک از این امور در قرآن و آثار معصومین (ع) وارد شده است. حضرت به برخی از این آثار اشاره دارند.

۱. نماز:

و الصلاة: تنزیها لکم عن الکبر «نماز را برای تنزیه دلها از کبر و نخوت قرار داد» کبر و خود بزرگ بینی از بزرگ ترین آفات انسان و مانع از ورود در مسیر سعادت است. شیطان به این درد گرفتار شده و از درگاه الهی رانده شد. «...إلا ابلیس أبی و استکبر...»^{۵۸} او خلقت خود را از آتش می‌دانست و خمیر مایه آدم را از خاک، از این رو حاضر به سجده بر آدم نشد. «...قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین»^{۵۹} او مقام علمی آدم را نشناخت و علت برتری او را در نیافت؛ پس بر خدا اعتراض کرد و در مقابل حق اسائه ادب نمود و خود را برای فریب فرزندان آدم محق خواند: «قال فیما أغویتی لأقعدن لهم صراطک المستقیم»^{۶۰} و «قال رب بما أغویتی لأزینن لهم فی الأرض و لأغوینهم أجمعین. إلا عبادک منهم المخلصین. قال هذا صراط علی مستقیم. إن عبادی لیس لک علیهم سلطان إلا من اتبعک من الغاوین»^{۶۱} به او فرصت داده شد، غافل از آنکه از عهده مخلصین بر نخواهد آمد. «...و لأغوینهم أجمعین إلا عبادک منهم المخلصین»^{۶۲}

پس برای رسیدن به مقام اخلاص، باید از کبر دوری جست و نماز بهترین وسیله برای رسیدن به این منظور است. نماز پیشانی بر خاک مالیدن و اظهار خضوع و خشوع در مقابل خالق هستی است. نماز اسرار و آداب بسیاری دارد که در کتب مفصل وارد شده است، اما به طور خلاصه می‌توان گفت: نماز مخ عبادت است؛ زیرا هر موجودی به تسبیح حق مشغول است. «...و إن من شیء الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم...»^{۶۳} تسبیح هر موجودی به اندازه سعه وجودی اوست.

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
بعضی از اشیاء همواره قائمند(مثل درختان) و برخی

همواره ساجد و گروهی همیشه راکع. بعضی ساکنند و گروهی ناطق. انسان، گل سر سبد و عصاره عالم خلقت است؛ پس عبادت او نیز باید جامع و شامل همه انواع عبادات باشد. نماز، حاوی تمام مناسک و وظایف فردی و اجتماعی است و مهم ترین ثمره آن، دوری از نخوت و کبر است. پس باید نماز را اقامه داشت و از سستی در آن پرهیز کرد که سستی در نماز مورد نکوهش الهی است.

«فویل للمصلین. الذین هم عن صلاتهم ساهون»^{۶۴}
حضرت فاطمه زهراء (س) نتایج سستی در نماز را چنین بر می‌شمرد: عنها (س) قالت: سألت ابی رسول الله (ص) لَمَنْ تَهَوَّنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ. قَالَ (ص): مَنْ تَهَوَّنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ ابْتَدَأَهُ اللهُ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَرْفَعُ اللهُ الْبَرَكَةَ مِنْ عُمْرِهِ وَ يَرْفَعُ اللهُ الْبَرَكَةَ مِنْ رِزْقِهِ وَ يَمْحُو اللهُ عَزَّ وَجَلَّ سِيَمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ وَ كُلَّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُوَجِّرُ عَلَيْهِ وَ لَا يَرْتَفِعُ دَعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ لَيْسَ لَهُ حِطٌّ فِي دَعَا الصَّالِحِينَ، وَ أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا وَ يَمُوتُ جَائِعًا وَ يَمُوتُ عَطِشَانًا، فَلَيْسَ سَقَى مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَرَوْ عَطِشَهُ وَ يُوَكَّلُ اللهُ مَلَكًا يُزَعِّجُهُ فِي قَبْرِهِ، وَ يُصَيِّقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ وَ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ وَ يُوَكَّلُ اللهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ الْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ، وَ يُحَاسِبُ حَسَابًا شَدِيدًا وَ لَا يَنْظُرُ اللهُ إِلَيْهِ وَ لَا يُرَكِّبُهُ وَ لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^{۶۵}
از پدرم رسول خدا (ص) درباره مردان و زنانی که در نمازشان سستی و سهل انگاری می‌کنند، پرسیدم. آن حضرت فرمودند: هر زن و مردی که در امر نماز سستی و سهل انگاری داشته باشد، خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می‌گرداند:

۱. خداوند برکت را از عمرش می‌گیرد.
۲. رزق و روزی اش بی برکت می‌گردد.
۳. خداوند، سیمای صالحین را از چهره اش محو می‌کند.
۴. هر کاری که بکند، بدون پاداش خواهد ماند.
۵. دعایش مستجاب نخواهد شد.
۶. برایش بهره‌ای از دعای صالحین نخواهد بود.
۷. دلیل خواهد مرد.
۸. گرسنه جان خواهد داد.
۹. تشنه کام خواهد مرد؛ به طوری که اگر با همه نهرهای دنیا آبش دهند، تشنگی اش برطرف نخواهد شد.
۱۰. خداوند، فرشته‌ای را بر می‌گزیند تا او را در قبرش نارام سازد.
۱۱. خداوند قبرش را تنگ می‌گرداند.
۱۲. قبرش تاریک می‌باشد.
۱۳. خداوند فرشته‌ای را برمی‌گزیند تا او را به صورت به زمین کشد، درحالی که خلائق به او بنگرند.
۱۴. به سختی مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

ایمان و عمل صالح، ملاک رهایی از خسران و زیان است. زبانی که در آن آدمی اصل سرمایه خود را از دست می‌دهد. برای بر خورداری از سعادت و نجات از خسران، باید ایمان داشت و عمل نیکو به جا آورد. ایمان، ریشه این درخت تناور است و عمل شایسته میوه و نتیجه آن است



۱۵. و خداوند به اونگردد و او را پاکیزه نگرداند و او را عذابی دردناک باشد.

۲. زکات:

والزكاة: تزكية للنفس، ونماء في الرزق، «زکات را برای تزکیه نفس و مال و جان وافزونی روزی مقرر فرمود.»

به همان اندازه که نماز، عملی فردی و انجام وظیفه در مقابل خداست، زکات انجام مسئولیتی اجتماعی است و به همان میزان که نماز از جنبه های اجتماعی بر خوردار است، زکات در سازندگی روحی انسان موثر است. از این رو نماز و زکات همواره در کنار هم قرار گرفته اند.

«بسم الله الرحمن الرحيم . الم. ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين . الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوة و مما رزقناهم ينفقون»^{۶۶} قرآنی که شکی در آن نیست، هدایتگر تقوا پیشگان در مسیر سعادت است. ایمان به غیب و اقامه نماز و پرداخت زکات، از علامات این گروه است؛ لذا اطاعت از کسانی واجب است که زکات و نماز برای آنها به صورت عملی واحد در آمده است و آن در شخصیت امام علی (ع) تجلی و نمود یافته است. «إنما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا ، الذين يقيمون الصلوة و يتون الزكوة و هم راكعون»^{۶۷}

فلسفه زکات، پاکی مال و جان است و زکات مایه افزونی مال است. هرچندکه دنیا طلبان می انگارند که پرداخت زکات، مایه کم شدن مال است، اما در واقع این پرداختی است که افزایش به دنبال دارد. همچون باغداری که شاخه های درخت را هرس می کند تا بار بیشتری برای آن به همراه آورد و یا چمن زنی که با زدن سر چمنها زمینه رشد روزافزون آن را فراهم می آورد .

آن کس که به زکات با این دید نگاه می کند، آن را نه فقط مایه افزایش مال که عامل تزکیه نفس و جان می داند. «و لو أن أهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الأرض ...»^{۶۸}

زکات، بخشش و پرهیز از بخل است. از این رو حضرت (س) در این باره می فرماید: عنها (س) قالت: قال لي رسول الله (ص): إياك و الْبَخْلَ، فإنها عاهة لا تكون في كريم. إياك و الْبَخْلَ فإنه شجرة في النار و أغصانها في الدنيا فمن تعلق بغير من أغصانها أدخله النار.^{۶۹}

حضرت فاطمه علیها السلام به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرمود: از بخل ورزیدن بپرهیز؛ زیرا بخل، آفتی است که در شخص بزرگوار نیست. از بخل بپرهیز؛ زیرا که آن درختی است در آتش دوزخ که شاخه هایش در دنیاست و هر که به شاخه ای از شاخه هایش در آویزد، داخل جهنمش گرداند.

عنها (س) قالت: قال لي رسول الله (ص) وَعَلَيْكَ

بالسَخَاءِ فَإِنَّ السَّخَاءَ شَجَرَةٌ مِنْ أشجار الجنة، أغصانها متدلية إلى الأرض، فمن أخذ منها غصناً قاده ذلك الغصن إلى الجنة.^{۷۰} حضرت فاطمه (س) فرمود پیامبر اکرم (ص) به من گفت: بر تو باد سخاوت ورزیدن؛ زیرا سخاوت، درختی از درختان بهشت است که شاخه هایش به زمین آویخته است، هر که شاخه ای از آن را بگیرد، او را به سوی بهشت می کشاند.

اتصاف به جود و پرهیز از بخل، تنها در ساسه اعتقاد به روزی بخشی خدا تحقق می یابد؛ پس باید خود را در معرض آن قرار داد. از این رو حضرت زهرا علیها السلام فرمود: رسول خدا (ص) بر من گذشت، در حالیکه در خواب صبحگاهی بودم. مرا با پایش تکان داد و فرمود: دخترم برخیز، شاهد رزق و روزی پروردگارت باش و از غافلان مباش؛ زیرا که خداوند روزی مردم را بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم می کند.^{۷۱}

۳. روزه:

والصيام: تهيئة للاخلاص: «روزه را برای اثبات تحقق در اخلاص قرار داد.»

اخلاص در عمل، شرط قبولی آن است؛ زیرا میزان و ترازوی سنجش اعمال در روز قیامت، بر حق بودن آن است. «و الوزن يومئذ الحق...»^{۷۲} اخلاص بی نهایتی است که ضرب در عمل می شود و تنها مخلصین در مسیر نجاتند. «قال فبعضتك لأغوينهم أجمعين إلا عبادك منهم المخلصين»^{۷۳} در حالی که «ریا» عمل را تباہ می کند و از ارزش می اندازد. «قدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباءً منثوراً»^{۷۴} همه اعمال عبادی باید از روی اخلاص صورت گیرد تا ارزش وجودی داشته باشد. در این میان، روزه اهمیتی خاص می یابد؛ زیرا تنها جنبه امساک داشته و تظاهر بیرونی آن، کمتر از دیگر اعمال عبادی است. از این رو یکی از حکمت های روزه، اثبات تحقق اخلاص است. از این رو روزه در همه ادیان الهی از جایگاه خاصی بر خوردار است: «يا أيها الذين آمنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون»^{۷۵}

روزه بر شما واجب شد همانگونه که بر امت های پیش از شما واجب بود؛ باشد که تقوا پیشه سازید. روزه بهترین زمینه برای تقویت تقوا را فراهم می آورد. به این معنی که هر روزه داری لزوماً متقی نیست، اما امکان آن را بیشتر دارد؛ پس روزه شرط لازم برای تلبس به لباس زیبای تقوا است هر چند شرط کافی نمی باشد.

اخلاص، شرط عمل است و حضرت فاطمه الزهراء (س) جهت تأکید بر آن می فرماید: مَنْ أضعَدَ إلى الله خالص عبادته أهبط الله إليه أفضل مصلحتته.^{۷۶} هر که عبادت خالصش را به سوی خدا بالا فرستد، خدای متعال برترین مصلحتش را به سوی او پایین فرستد. ما

اتصاف به جود و پرهیز از بخل، تنها در سایه اعتقاد به روزی بخشی خدا تحقق می یابد؛ پس باید خود را در معرض آن قرار داد. از این رو حضرت زهرا علیها السلام فرمود: رسول خدا (ص) بر من گذشت، در حالیکه در خواب صبحگاهی بودم. مرا با پایش تکان داد و فرمود: دخترم برخیز، شاهد رزق و روزی پروردگارت باش و از غافلان مباش؛ زیرا که خداوند روزی مردم را بین طلوع آفتاب تقسیم می کند



يُضَعُّ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمِعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ^{٧٧} وَ فَرَمُودَ رُوزِهِ دَارِ چُون زبانش، گوشش، چشمش و اعضایش را (از حرام) نگه ندارد، روزه دار نیست.

٤. حج:

والحج: تشييدا للدين؛ حج را برای تحكيم مباني دينی و اعتلاء و تعظيم كلمه توحيد، قرار داد. از ديگر فروع دينی، انجام مناسک حج است. فلسفه حج از دير باز مورد توجه محققين قرار گرفته و آثار زيادی در اين زمينه نگارش يافته است. بر هر مسلمان متمکنی لازم است که حداقل یک بار در طول عمر خود به انجام اين مراسم عبادی بپردازد. «... والله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا...»^{٧٨}

اين اعمال که هر سال در زمان معين «الحج اشهر معلومات...»^{٧٩} و مکان خاص (مکه) «...والمسجد الحرام الذي جعلناه للناس سواء العاكف فيه و الباد...»^{٨٠} انجام می گیرد، بيانگر عظمت اسلام و اعتلاء شعائر دينی است. «ذلک و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب... و لکل امه جعلنا منسکا ليدکروا اسم الله... فالهکم اله واحد...»^{٨١} حج، سمبل توحيد است؛ همانگونه که حضرت ابراهيم(ع) نشان توحيد و اطاعت محض از فرامین خدا بود^{٨٢}، حج ميراث ابراهيمی است؛ «و إذ یوانا لا ابراهيم مکان البيت أن لا تشرک بی شيئا و طهر بيتی للطائفين و القائمين و الرکع السجود»^{٨٣} اين مناسک توسط پیامبر اسلام احیاء شده و عظمت کلمه توحيد را با توحيد کلمه به نمایش می گذارد. «ليشهدوا منافع لهم و يذکروا اسم الله فی ایام معلومات...»^{٨٤}

٥. عدل:

والعدل: تنسيقا للقلوب، و طاعتنا: نظاما للملة «و عدل را برای ارتباط و تأليف قلوب قرار داد.» اعتقاد به عدل الهی از اعتقادات شيعی و برخی از فرق اهل سنت است که مبتنی بر آیات قرآن و روایات است. اعتقاد به عدل الهی، زمينه ساز تعهد به عدالت اجتماعی است. از اين رو در طول تاريخ اين دو با هم همراه بوده و نفی هر یک به معنای انکار ديگری دانسته شده است. عدل اجتماعی و رعایت حدود و حقوق قانونی افراد، موجب ایجاد ارتباط صحيح میان افراد و در نتیجه تأليف قلوب است؛ بر خلاف ظلم که برهم زنده جامعه و روابط سالم اجتماعی است:

«إن الله يأمر بالعدل و الإحسان...»^{٨٥} «...و امرت لأعدل بينکم...»^{٨٦} «...فلا تتبعوا الهوى أن تعدلوا...»^{٨٧} یا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط و لا يجرمنکم شئان قوم على ألا تعدلوا إعدلوا هو اقرب للتقوى و اتقوا الله إن الله خبير بما تعملون»^{٨٨} «...و اذا

حکمتم بين الناس أن تحکموا بالعدل...»^{٨٩} «یحکم به ذوا عدل منکم...»^{٩٠} «...و اذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذاقربی...»^{٩١} «...و ليکتب بينکم کاتب بالعدل...»^{٩٢} «إن الله لا یظلم مثقال ذره...»^{٩٣} «إن الله لا یظلم الناس شيئا و لكن الناس أنفسهم یظلمون»^{٩٤} «... و ما ظلّمونا و لكن کانوا أنفسهم یظلمون»^{٩٥} و نضع الموازين القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شيئا»^{٩٦}

عدل، اعتقاد به وجود میزان و معیار سنجش اعمال است و در عمل، موجب می گردد که اعمال بر اساس موازين آن انجام گیرد. از اين رو عدل را از مستقلات عقليه دانسته اند. به اين معنی که شارع تأييد کننده و تضمین کننده آن است و نه ایجاد کننده آن. اين اعتقاد به عدل، در اصطلاح متکلمين از نتایج بحث از «حسن و قبح ذاتی یا عقلی» دانسته می شود که توابع بسیار به دنبال دارد.

٦. اطاعت از اولی الامر:

وامامتنا: امانا للفرقة «اطاعت ما خاندان را برای حسن انتظام امور اجتماعی و امامت ما اهل بیت را برای ایمنی و امان از اختلاف و تفرقه و لغزش قرار داد.» «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم»^{٩٧} لزوم تبعیت از خدا و رسول و اهل بیت در مباحث کلامی به تشریح بیان شده و دلایل متقن بر آن اقامه شده است. نص و تصریح بر امامت، بهترین راه تداوم نبوت خاتم است.^{٩٨}

حکما برای اثبات امامت به همان دلیلی اشاره دارند که در لزوم نبوت ارائه داشته اند و آن حفظ نظام اجتماعی است. از اين رو اجر نبوت، مودت ذی القربی دانسته شده است. «...قل لا أسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی...»^{٩٩} فايده آن هم جز برای خود مردم نیست؛ زیرا اين مودت، موجب اهتداء به طریق هدايت است.

عن فاطمه الزهراء(س) قالت: قال لي رسول الله (ص) يا فاطمه من صلي عليك غفر الله له و الحقه بي حيث كنت من الجنة. «دختر گرامی پیامبر فرمود: رسول خدا (ص) به من گفت: ای فاطمه هر که بر تو صلوات فرستد، خداوند او را ببامرزد و در هر جای بهشت که باشم، او را به من ملحق گرداند.»

عنها (س) قالت: قال رسول الله (ص): أيما رجل صنع إلى رجل من ولدی صنيعة فلم يكافئه عليها، فأنا المكافي له عليها.^{١٠١}

حضرت زهرا به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کسی برای فردی از فرزندان من کاری انجام دهد و بر آن کار پاداشی نگیرد، من پاداش دهنده او خواهم بود.

عنها (س) قالت: إن أبي (ص) نظر إلى علي (ع) و قال: هذا و شيعته في الجنة.^{١٠٢} پیامبر خدا (ص) به علی (ع)

اعتقاد به عدل الهی از اعتقادات شيعی و برخی از فرق اهل سنت است که مبتنی بر آیات قرآن و روایات است. اعتقاد به عدل الهی، زمينه ساز تعهد به عدالت اجتماعی است. از اين رو در طول تاريخ اين دو با هم همراه بوده و نفی هر یک به معنای انکار ديگری دانسته شده است. عدل اجتماعی و رعایت حدود و حقوق قانونی افراد، موجب ایجاد ارتباط صحيح میان افراد و در نتیجه تأليف قلوب است؛ بر خلاف ظلم که برهم زنده جامعه و روابط سالم اجتماعی است





تثبیت آن و در نتیجه عزت و اقتدار مسلمین و تشکیل مدینه النبی بود. از این رو جهادگران، مورد عنایت الهی واقع شده و برای آنان اجر عظیم قرار داده شده است. به گونه‌ای که کارهای مهمی چون سقایه الحاج و تعمیر مسجد الحرام در مقایسه با جهاد، امری سهل می نماید. «أجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله...»^{۱۰۸} مجاهدین مشمول رحمت خاص خدا هستند: «و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمه الله...»^{۱۰۹} اینان از درجه رفیعی در نزد پروردگار برخوردارند: «الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله بأموالهم و أنفسهم أعظم درجه عند الله...»^{۱۱۰} اینان هدایت شدگان به راه خدایند: «والذین جاهدوا فینا لنهذبهم سبلنا...»^{۱۱۱} هدایتی که هر روز مومنین در خواست آن را دارند: «إهدنا الصراط المستقیم»^{۱۱۲} پس باید حق جهاد را اداء نمود: «و جاهدوا فی الله حق جهاده...»^{۱۱۳}

۸. صبر:

والصبر: معونة علی استیجاب الاجر «صبر را برای استحقاق اجر قرار داده است.»
صبر از دستورات اخلاقی و عرفان دینی است که برای دین به منزله سر برای بدن خوانده شده است. در متون اخلاق اسلامی در باب صبر، اقسام و فواید آن مضامین بلندی به رشته تحریر در آمده است. صبر در مصیبت، صبر بر معصیت و صبر در عبادت از مهم ترین این اقسام است.

حضرت، استحقاق اجر را ثمره صبر می داند؛ زیرا آدمی هیچ حقی بر خدا ندارد اما صبر برکاستیها، موجب استحقاق گردد. از این رو فرمان به صبر داده شده است: «فاصبر کما صبر اولوا العزم من الرسل...»^{۱۱۴} صبر پیامدها و نتایجی را به دنبال دارد از جمله: انجام عمل صالح^{۱۱۵}؛ طلب رضایت الهی و اقامه نماز^{۱۱۶}؛ توکل بر پروردگار^{۱۱۷}؛ رستگاری^{۱۱۸}؛ هدایت به امر الهی^{۱۱۹} و از این رو فایده صبر عاید به انسان است: «و أن تصبروا خیر لکم...»^{۱۲۰} هر چند به نظر مشکل آید: «...فإن ذلک من عزم الامور»^{۱۲۱}

استعانت به صبر و نماز از فرمایشات قرآنی و بیانگر اهمیت صبر است. «و استعینوا بالصبر و الصلوة...»^{۱۲۲}

۹. امر به معروف:

والامر بالمعروف: مصلحة للعامة، «امر به معروف را برای مصالح عامه مردم قرار داد.»

یکی دیگر از واجبات دینی، انجام امر به معروف و نهی از منکر است. علت وجوب آن، حفظ مصالح عمومی است. خاتمیت و عدم تحریف در دین اسلام به جهت متعددی می باشد؛ یکی از این جهات تعبیه اصول و

نگریست و فرمود: این شخص و پیروانش در بهشت اند. عنہا (س) قالت: قال لی ابی: من سلم علی و علیک ثلاثه ایام فله الجنة. پدرم به من فرمود: هر که بر من و تو تا سه روز تحیت و سلام بفرستد، بهشت بر او واجب گردد.

۷. جهاد:

والجهاد: عزا للاسلام «جهاد را برای عزت و ارجمندی و سربلندی ملت اسلام قرار داد.» از دیگر فروع دین جهاد در راه خداست. جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را برای بندگان خاص خود گشوده است. جهاد موجب سرفرازی و عزت و افتخار مسلمانان است. خداوند عزیز است «...فإن العزة لله جمیعا»^{۱۲۳} و «...إن العزة لله جمیعا...»^{۱۲۴} خدا به هر کس که خواهد عزت بخشد «...و تعز من تشاء و تذل من تشاء...»^{۱۲۵} خدا برای مومن مذلت قرار نداده است: «...و لله العزة و لرسوله و للمومنین و لکن المنافقین لا یعلمون»^{۱۲۶} خداوند راضی به سلطه کفار بر مومنین نیست و از این رو راهی برای آن قرار نداده است «و لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا»^{۱۲۷} برای اجرای این برنامه، باید همه راههای سلطه کفار بسته شود و جهاد، بهترین طریق حفظ عزت مومنین است. از این رو جهاد بر مسلمانان واجب شده است. جهاد ابتدایی در زمان حضور پیامبر و امام و به اذن ایشان و جهاد تدافعی بر احاد جامعه مسلمین واجب است و نیاز به اذن ندارد. داستان جنگهای زمان پیامبر (ص) در جهت تنزیل قرآن و جنگهای دوران امامت امام علی (ع) در جهت تأویل قرآن، بخش عمده ای از مباحث تاریخ اسلام را شامل می گردد. نتیجه این تلاش، گسترش اسلام و



فروعی در دین مبین است. امامت از اصولی است که برای حفظ دین در نظر گرفته شده است و امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین است.

انجام این واجب الهی در ردیف ایمان به خدا^{۱۳۳}، اقامه نماز^{۱۳۴} و حفظ حدود الهی^{۱۳۵} است. علت برتری امت مسلمان بر امم دیگر در گرو انجام این فریضه الهی است. «کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله...»^{۱۳۶}

امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و مراتبی دارد که در کتب فقهی و اخلاقی و عرفانی به آن پرداخته شده است. همچنین این مسئله از اصول معتزله و فروع مذهب تشیع می باشد که به تفصیل در کتب کلامی مورد بحث واقع شده است.

۱۰. نیکی به والدین:

و برّ الوالدین : وقایة من السخط ، «نیکی به والدین را برای مصونیت از غضب خود قرار داد.»

نیکی به پدر و مادر از اصول اخلاقی اسلام است که در قرآن کریم بدان سفارش زیادی شده است. نیکی به فرزند، از جمله فطریات بشری است. از این رو ایشان به اصل احسان نسبت به فرزندان سفارش نشده اند؛ بلکه مصادیق احسان گوشزد شده است. مبدا که بر اثر تشخیص ندادن این مصالح، نا خواسته موجبات زیان نسبت به فرزندان را فراهم آورد. برای عدم دل بستگی به فرزندان هشدار داده شده است: «... لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شیئاً...»^{۱۳۷} و «فلا تعجبک اموالهم و اولادهم...»^{۱۳۸}

اما در مورد پدر و مادر و نیکی نسبت به ایشان سفارشات مؤکدی شده است. مبدا فرزندان دچار فراموشی شده و حق والدین خود را اداء نکنند. احسان به ایشان پس از عبادت الهی قرار داده شده است «... لا تعبدون الا الله و بالوالدین إحساناً...»^{۱۳۹} و «و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین إحساناً...»^{۱۴۰} و «... الا تشركوا به شیئاً و بالوالدین إحساناً...»^{۱۴۱} و «و قضی ربک الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین إحساناً...»^{۱۴۲}

آدمی باید سپاسگزار محبت های پدر و مادر خویش باشد همانگونه که شکر گزار نعم الهی است. «... أن اشکر لی و لوالدیک الی المصیر»^{۱۴۳} انسان به نیکی نسبت به والدین سفارش شده است «و وصینا الانسان بوالدیه حسناً»^{۱۴۴}

از مصادیق احسان، طلب مغفرت برای ایشان است: «ربنا اغفر لی و لوالدی...»^{۱۴۵} علت این همه سفارش چیست؟ حضرت، امان از غضب الهی را نتیجه نیکی به والدین می داند. شاید بدان لحاظ که هر مجازی نشان از حقیقتی است؛ پس آن کس که بتواند خود را از غضب والدینش برهاند، از غضب الهی نیز رهیده است و آنکه

قدر زحمات پدر و مادرش را بشناسد، حتماً قدر نعم الهی را هم می داند.

۱۱. صلۀ رحم:

وصلة الارحام : منساه (أی مؤخره) فی العمر و منماتة للعدد ، «صله رحم را برای پیوستگی ارحام واقارب و وحدت ملی قرار داده است.»

یکی دیگر از سفارشات اخلاقی در اسلام، پیوستن با خویشان است. «و الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل...»^{۱۴۶} حضرت، دایره رحم را آنچنان گسترده می داند که ثمره صلۀ رحم را وحدت ملی می خواند؛ یعنی، انسانی که از دایره خود خواهی های شخصی صرف نظر می نماید و به خانواده می پیوندد و آنکه از دایره خانواده صرف نظر می نماید و شهر و کشور و امت پیوسته است، حافظ منافع عمومی و وحدت ملی است و منافع خود را در راه حفظ مصالح جامعه فدا می کند.

۱۲. قصاص:

والقصاص : حقنا للدماء، قصاص از احکام فقهی اسلام است. از دیدگاه قرآنی فایده قصاص، حفظ حیات اجتماعی است: «و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب لعلکم تتقون»^{۱۴۷} خطاب آیه به صاحبان خرد است. به این معنی که در نگاه اولیه، قصاص نوعی بی رحمی تلقی می شود، اما اگر به فایده آن اندیشه شود، به خوبی فهمیده می شود که حفظ حیات اجتماعی به مراتب مهم تر از حیات فردی است؛ پس مجازات گناهکار برای حفظ خونهای مردم، امری لازم است. نکته دیگر آنکه این امر موجب تقوا است. همانگونه که فلسفه وجوب روزه پیشه نمودن تقوا است، قصاص نیز به همین هدف واجب شده است. هر چند از نظر صوری تفاوت بسیاری میان قصاص و روزه است، ولی در واقع هر دو به یک منظور تشریح شده است. البته توصیه اخلاقی در کنار این حکم فقهی وارد شده که به لطافت آن می افزاید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص... فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه باحسان ذلک تخفیف من ربکم و رحمه فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم»^{۱۴۸} این آیه مومنان را خطاب قرار می دهد و می فرماید: گاه فرد مومنی مرتکب خطایی می شود که حکم فقهی آن قصاص است و بر صاحبان حق است که طلب قصاص نمایند. اما اگر اینان از حق خود گذشته و مجرم را عفو کنند، نه تنها کار بدی را مرتکب نشده اند؛ بلکه امر معروفی را انجام داده اند و احسانی در حق مجرم روا داشته اند. این نوعی تخفیف از جانب خداست؛ پس در انجام قصاص، باید جانب تفریط را رعایت نمود و تا آنجا که ممکن است تخفیف داد؛ مبدا که کار به افراط و تجاوز از حدود کشیده شود. به

عدل، اعتقاد به وجود میزان و معیار سنجش اعمال است و در عمل، موجب می گردد که اعمال بر اساس موازین آن انجام گیرد. از این رو عدل را از مستقلات عقلیه دانسته اند. به این معنی که شارع تأیید کننده و تضمین کننده آن است و نه ایجاد کننده آن. این اعتقاد به عدل، در اصطلاح متکلمین از نتایج بحث از حسن و قبح ذاتی یا عقلی دانسته می شود که توابع بسیار به دنبال دارد



این ترتیب معلوم می شود که وجوب حکم قصاص، مانع از تجاوزات و تعدیات اجتماعی است، اما در اجرای عملی این حکم، تخفیفات و گذشتیهایی در نظر گرفته شده که چون یقینی نبوده و بنا به اختیار و انتخاب صاحبان حق است، ضمن آنکه تلطیف حکم است، از ضمانت اجرایی آن کاسته نمی شود. احکام مربوط به قصاص در بیان تفسیری آیات و کتب فقهی وارد شده است .

۱۳. وفای به نذر:

والوفاء بالنذر: تعریضا للمغفرة: « وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت و نیل به آمرزش قرار داده است.»

یکی دیگر از سفارشات مؤکد قرآنی که ضامن دستیابی به سعادت است، وفای به نذر است. وفا و استیفاء به معنی تمام نمودن و پر کردن است . از اقسام وفا، وفای به عهد است که یکی از نمونه های آن وفای به نذر است به معنی ادای عهدی که با خدا بسته ایم. از نظر حضرت فاطمه زهراء (س) فایده وفای نذر، حصول به آمرزش الهی است؛ زیرا جزای وفای به عهد انسان در مقابل خدا، وفای خدا به عهد خود برای انسان است که همان آمرزش و مغفرت الهی است. «...وما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف الیکم...»^{۱۳۹}

خطبه فدکیه در کنار مضامین عالی دیگر، بیانگر مقام فاطمی در همه ابعاد انسانی و حاوی قائل رفیع علم و عرفان و مسئولیت و سازندگی است

۱۵. نهی از شرب خمر:

والنهی عن شرب الخمر: تنزیها عن الرجس « نهی از شرب خمر را برای دوری از رجس و پلیدی قرار داده است.»

شرب خمر از محرماتی است که مورد مذمت بسیار قرار گرفته است شاید به آن دلیل که سایر پلیدیها را به دنبال خود دارد. پس پرهیز از آن به معنای دوری از رجس و پلیدی است . « إنما یرید الشیطان أن یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المیسر ... »^{۱۴۲} از بزرگ ترین مضرات شرب خمر و انجام قمار، ایجاد دشمنی و عداوت میان انسانهاست؛ در حالی که دین در صدد ایجاد احساس اخوت و دوستی است . « ... إذ کنتم أعداء فالف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخوانا ... »^{۱۴۳} پس شیطان توجیه کننده استفاده از این منهیات است تا بدان وسیله ایجاد دشمنی و پلیدی کند. قرآن در پاسخ به این توجیه شیطنت آمیز می فرماید: « یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما إثم کبیر و منافع للناس ، و اثمهما أكبر من نفعهما...»^{۱۴۴} از تو درباره خمر و قمار سؤال کنند در پاسخ بگو در آنها گناهی بزرگ است. البته منافعی هم دارد، اما گناه آنها به مراتب بیشتر از نفع آنهاست .

۱۶. اجتناب از قذف:

واجتناب القذف: حجابا عن اللعنة: « اجتناب از قذف را برای مصونیت از لعنت قرار داده است.» یکی دیگر از منهیات الهی، قذف و تهمت زدن به دیگران است؛ زیرا بردن آبروی مردم، کاری سهل و آسان به نظر می رسد هر چند که اثبات نشود، اما آبروی ریخته شده دیگر بر نمی گردد؛ از این رو در اسلام بر نهی از آن تأکید شده و برای قذف، مجازاتی سنگین گذاشته شده تا افراد به خود اجازه ندهند که بدون مدرک و دلیل با حیثیت مردم بازی کنند. قذف، لعنت خدا و بندگان خدا را به دنبال دارد؛ پس برای مصونیت از لعنت باید از قذف دوری جست .

۱۷. ترک سرقت:

وترک السرقة: ایجابا بالعفة «ترک سرقت و دزدی را برای حصول عفت و امنیت اجتماعی قرار داده است.» سرقت، از مفاسد اجتماعی شایع در اکثر جوامع است. قرآن کریم برای ایجاد امنیت اجتماعی، احکام خاصی را وضع نموده است. از این رو ترک سرقت از ابتدای اسلام مورد توجه قرار گرفته و در کنار ترک شرک، از شرایط عقد بیعت رضوان شمرده شده است . «...بیایعنک علی أن لا یشرک بالله شیئا و لا یسرقن ...»^{۱۴۵} این آیه بیانگر آن است که سرقت نه فقط در میان مردان که در

۱۴. تمام پیمودن کیل و وزن:

و توفیة المکائیل و الموازین: تغییرا للبخس «تمام پیمودن کیل و وزن را برای اعتماد و حفظ اموال از نقص و زیان قرار داده است.» تمام نمودن کیل به معنی صحت معاملات اقتصادی، موجب ایجاد اعتماد میان عرضه کننده و متقاضی خدمت است. این اعتماد باعث شکوفایی اقتصادی و سلامت روانی جامعه است . از این رو در اسلام بر آن تأکید زیادی شده است . « و اوفوا الکیل إذا کلتم وزنوا بالقسطاس المستقیم...»^{۱۴۶} یکی دیگر از معضلات اجتماعی، آن است که افراد کم فروش یا گران فروش، طالب عدالت و بر خورد صادقانه دیگران هستند. قرآن به این خصیصه اشاره داشته و اینان را مطفف می نامد و وعید ویل را برای ایشان متذکر می گردد؛ زیرا اینان به بدی عمل واقفند و خلاف اقرار فطری و عملی خود عمل می کنند . پس حال ایشان بدتر از کسانی است که بدی عمل را نمی شناسند: « ویل للمطففین . الذین إذا اکتالوا علی الناس یتوفون و إذا کالوهم او وزنوهم یخسرون . الا یظن اولئک أنهم مبعوثون»^{۱۴۷} این عمل به نوعی به انکار معاد می انجامد. از این رو مورد توجه خاص قرار گرفته شده است .



بین زنان نیز شایع بود و از این رو زنان در بیعت با پیامبر گرامی اسلام (ص) بر ترک شرک و سرقت پیمان بستند. اسلام برای جلوگیری از این معضل اجتماعی راهکرد عملی ارائه می دهد و آن قطع انگشتان دزد است؛ چه مرد و چه زن فرقی نمی کند. « و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا... »^{۱۴۶} در تقدم سارق بر سارقه در آیه شریفه نکات ظریفی است که در مقایسه با تقدم زانیه بر زانی^{۱۴۷} قابل توجه است .

نتیجه :

آنچه مقاله در صدد تبیین آن بر آمده است عبارت است از :

۱. توجه به اصل الگو پذیری و وجود اسوه های عملی برای انسان .
 ۲. توجه به تطابق میان اعتقادات و اعمال .
 ۳. توجه به فلسفه احکام از دیدگاه قرآن و بیانات حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) .
- با این توضیح که : یکی از مهم ترین راههای تربیت و تعلیم عملی، تبعیت و الگو پذیری و یکی از نیازهای فطری بشر توجه به الگوهای عملی رفتار است. از این رو باید از کسانی تبعیت کرد که خود راه را شناخته و طی طریق کرده اند و الا به بیراهه رفته و گمراه می گردیم؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: انسانهای کامل اعم از زن و مرد، الگو برای سایر انسانها هستند.
- خطبه فدکیه در کنار مضامین عالی دیگر، بیانگر مقام فاطمی در همه ابعاد انسانی و حاوی قلیل رفیع علم و عرفان و مسئولیت و سازندگی است. ایشان می فرمایند: «اعلموا انی فاطمه» بدانید که من فاطمه ام .

این خطبه تبیین و تفسیری از آیات الهی است با این شرح که: خدا شناسی به عنوان اولین اصل از اصول دین توضیح داده شده و ملاک سعادت بشری، در اعتقادات و در عمل بر اساس باورها است .

در مباحث کلامی، تحمل دین و امانت الهی به عنوان اصل دینداری، تدین به دین خاتم و ایمان به کتاب صامت و ولی ناطق به عنوان اصل نبوت و امامت، شناخت قرآن به عنوان اصل لزوم التزام به تعالیم قرآنی، ترک شرک و قبول اصل توحید، عمل به احکام دینی بر اساس باورهای اعتقادی و تبیین علل احکام الهی بیان شده است.

از میان احکام به مهم ترین آنها یعنی نماز؛ زکات؛ روزه؛ حج؛ عمل بر اساس عدالت؛ اطاعت از اولی الامر؛ جهاد؛ صبر؛ امر به معروف؛ نیکی به والدین؛ صلح رحم؛ قصاص؛ وفای به نذر؛ تمام نمودن کیل و وزن و نهی از کم فروشی و گران فروشی و نهی از شرب خمر اشاره شده و فلسفه هر یک تبیین شده است و بر این اساس است که حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) از مفسرین قرآن کریم خوانده شده است؛ زیرا آنچه ایشان فرموده اند،

در راستای مضامین قرآنی است .

* پی نوشت های این نوشتار در دفتر مجله موجود است.

فهرست منابع و مآخذ :

- قرآن کریم .
- نهج البلاغه .
- الاشارات و التنبيهات، بو علی سینا ، جزء ۳، فی علم ما قبل الطبیعه، چاپ اول مطبعه حیدری ، ۱۳۷۹ ، چاپ دوم، مطبعه آرمان ، ۱۴۰۳ .
- ادعیه فاطمیه ، محمد دشتی ، امیر المومنین ، چاپ اول، ۱۳۷۸ .
- اسرار فدک ، محمد باقر انصاری ، حسین رجایی ، دلیل ما، قم . چاپ سوم ۱۳۸۳ .
- الحکم الزاهره ، علیرضا صابری یزدی ، ترجمه محمد رضا انصاری محلاتی ، سازمان تبلیغات اسلامی قم، چاپ دوم ۱۳۷۵ .
- چهار سفر تا ظهور انسان کامل در آیین جمال زن، فرشته ندروی آبیانه، ۱۳۸۰ .
- راحة الارواح ، ابو سعید حسین بن حسین شیعی سبزواری ، میراث مکتوب . چاپ اول ۱۳۷۵ .
- رساله حول حدیث نحن معاشر الانبیاء لا نورث . شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم چاپ اول، ۱۴۱۳ ق .
- زهرا (علیها السلام) برترین بانوی جهان ، ناصر مکارم شیرازی، سور، چاپ اول ۱۳۸۳ .
- زندگانی حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) ، محمد روحانی علی آبادی ، مهام ، بی تا .
- زندگانی حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) ، محمد جواد نجفی، اسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ .
- سخن شیوا در برتری حضرت زهراء ، شرف الدین موسوی عاملی ، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ .
- فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت، سید محمد کاظم قزوینی، مرتضی، چاپ اول، ۱۳۸۲ .
- فاطمه زهراء در روایات ، صادق داوری دولت آبادی .
- سلسله، چاپ اول، بی تا .
- فدک ، میرزا جواد تبریزی ، دار الصدیقه ، چاپ سوم، ۱۳۸۳ .
- فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهراء ، محمد دشتی ، امیر المومنین ، چاپ دوم ۱۳۸۲ .
- کتابنامه حضرت فاطمه زهراء ، ناصر الدین انصاری قمی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ .
- کشف الغمّة فی معرفة الائمة، محدث اربلی، بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ . ق .
- کشف الغمّة، ترجمه و شرح زوارهای، علی بن حسین زوارهای، اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش .
- معانی الاخبار، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق .
- معانی الاخبار، عبد العلی محمدی شاهرودی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش .
- مناقب الإمام علی علیه السلام، ترجمه مرعشی نجفی، سید جواد مرعشی نجفی، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش .
- یاس آسمانی ، ذبیح الله حسن زاده ، ائمه، چاپ اول، ۱۳۸۳ .

این خطبه تبیین و تفسیری از آیات الهی است با این شرح که: خداشناسی به عنوان اولین اصل از اصول دین توضیح داده شده و ملاک سعادت بشری، در اعتقادات و در عمل بر اساس باورها است

